

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان از: رضا نفاعی

۲۲ جولای ۲۰۲۰

تشنج در مناسبات ایران و امریکا سرانجام به کجا خواهد انجامید؟



هرچه انتخابات ریاست جمهوری امریکا نزدیک تر می شود، ضربات پنهان علیه ایران تحریک آمیز تر می شود. از اواخر ماه جون، انفجارها ایران را به لرزه در آورد که گمان می رود نتیجه حملات سایبری و خرابکاری ها باشد. طی ۷۲ ساعت، در ایالات متحده کشتی هائی سوخته اند که علت آن ها هنوز مشخص نیست. با توجه به جنگ سایه ای که از زمان قتل سرلشکر قاسم سلیمانی در عراق، هر دو کشور ایران و امریکا در گیر آن هستند، فوراً گمانه زنی ها آغاز شد، با این احتمال که این وقایع می توانند با هم در ارتباط باشند. با توجه به وقایعی که از پایان ماه جون رخ داد، دیگر کسی نمی تواند انفجارهای شدید در شهرهای مختلف ایران را تصادفی بداند.

آنگونه که از اسناد لو رفته بر می آید، پس از قتل سردار سلیمانی مقامات امریکائی نگران بودند که ترمپ پا را از مرز مجاز آنسو تر نهاده باشد. در روز حمله پهپادها در پایتخت عراق، در تاریخ ۳ جنوری، «مرکز اطلاعات مشترک منطقه ای کالیفرنیا» (JRIC) در یادداشتی نوشت:

از منظر تاریخی، مجازات ایران و نماینده آن در مکانی متعلق به «شخص ثالث» صورت گرفته است نه در خاک ایالات متحده. اما اهمیت کشته شدن سلیمانی آنچنان است که JRIC نمی تواند حمله بالقوه به خاک امریکا را منتفی بداند.

همچنین در این زمینه، این واقعیت مهم است که JRIC از «قصاص» از جانب ایران صحبت می کند، بدین معنی که همیشه نخست اقدامی علیه ایران صورت گرفته است که فقط بعد از آن منجر به قصاص شده است. در واقع، پس از مرگ سلیمانی، تهران با حمله راکتی بالستیک به دو پایگاه نظامی در عراق که محل استقرار نیروهای نظامی امریکاست واکنش نشان داد. پنج ماه بعدی با تحریکاتی در خلیج فارس و فراتر از آن سپری شد، اما بدون حوادث جدی. اما در شب ۲۶ جون این وضع با آغاز یک سری انفجار های مرموز در ایران تغییر کرد. در پارچین یکی از مهمترین تأسیسات نظامی در نزدیکی تهران انفجار بزرگی رخ داد که مقامات گفتند در نتیجه نشأت گاز بوده است. پس از آن یک بیمارستان در تهران، سپس یک نیروگاه، سپس نیروگاههای پتروشیمی، انبار راکت ها و یک ساختمان اتمی در نطنز با انفجار مواجه شدند.

حداقل از زمان انفجار در نطنز، احتمال دست داشتن ایالات متحده و اسرائیل در این حملات مطرح شده است. اگرچه دولت تهران هنوز هیچ ادعای رسمی درباره واشنگتن یا اسرائیل نکرده است، اما دیگران چندان در تردید نیستند. حملات سایبری دست کم در یک مورد به عنوان علت احتمالی در نظر گرفته می شود، اما حداقل تا به امروز هیچ مدرکی در این باره در دست نیست. در حالی که نه ایالات متحده و نه اسرائیل منکر مشارکت خود نیستند، اما می توان این عدم انکار را بخشی از جنگ روانی دانست و ایجاد این تصور که دست سازمانهای اطلاعاتی را در هر زمان و هر مکان می توان مشاهده کرد.

به گفته مقامات سابق دولت امریکا، پرزیدنت ترمپ در سال ۲۰۱۸ اختیارات سازمان اطلاعات جاسوسی بین المللی امریکا «سیا» را برای عملیات در عرصه بین المللی به مراتب بیشتر از زمان دولت بارک اوباما گسترش داد. این گفته در همین زمان توسط جان بولتون، مشاور آن زمان امنیت ملی نیز تأیید شد. گفته می شود سیا با حکم ریاست جمهوری مجاز به «تشدید مبارزه با تعداد انگشت شماری از کشورهای مخالف» شده است. این موارد به ویژه عبارتند از: چین، ایران، کوریای شمالی و روسیه که به گفته مقامات دولت پیشین، که در این سند از آنها صریحاً نام برده نشده است. هدف نه تنها دستیابی به اطلاعات از طریق هک کردن است، بلکه در واقع جنگ سایبری برای نابود کردن زیرساخت هائی است که مورد حمله هکری قرار گرفته اند.

ترمپ همچنین محدودیت هائی را که هنوز از گذشته باقی بود، مانند عدم حمله به بانک ها و سایر اهداف نرم را لغو کرده است. در نتیجه سیا از سال ۲۰۱۸ دیگر وقت تلف نکرده و دست کم ۱۲ عملیات علیه ایران انجام داده است. ترکیبی از عملیات مخرب انجام شده، «همه چیز می سوزد و منفجر می شود». این که آیا این سخن اشاره ای تلویحی به انفجار های هفته گذشته بوده یا نه هنوز مشخص نشده است.

این ادعای مقامات سابق دولت که نام آنها ذکر نشده است، در کتاب تازه بولتون نیز تأیید شده است. او می نویسد «محدودیت های» دوره اوباما باید «دور ریخته می شد» و می بایستی «امکانات مخفی» دولت در فضای سایبری تقویت می شد.

هدف واقعی عملیات مخفی در ابتداء متوقف کردن برنامه هسته ای ایران بود. هیچ وقت به صراحت بیان نشده بود که تغییر رژیم در تهران دنبال می شود. با این حال، گسترش قدرت CIA روشن ساخته است که «بی ثبات سازی ایران که ظاهراً مطرح» نبوده، در واقع مطلوب – اما مکتوب نیست. خود جان بولتون نقش عمده ای در پیشرفت این طرح داشت و پس از تجربه حمله «استاکس نت» می خواست «چکش دیگری» بزند. اگر کسی نتواند جنگ واقعی علیه ایران به راه بیندازد، بی ثبات سازی کشور «همان تغییر رژیم» خواهد بود، فقط با این تفاوت که یک عامل دیگر هم در آن هست که می توان عاملیت خود را در حوادث «انکار کرد».

مخالفان این «مسیر» دقیقاً بیم دارند که : جنگ سایه بین امریکا و ایران به دلیل این عملیات محرمانه از پرده به در افتد و تبدیل به یک جنگ علنی شود. اگرچه ارتش امریکا از قدرت فزاینده ای برخوردار است و از این نظر کاملاً از نیروهای مسلح ایران برتر است، اما هم شبیه سازی جنگ و هم تجربه افغانستان و عراق نشان می دهد که واشنگتن نتوانسته در این جنگ ها پیروز شود. علاوه بر این، ایرانیان گزینه های خاص خود را برای انجام عملیات دردناک در برابر ایالات متحده دارند. همانطور که در یادداشت JRIC در تاریخ ۳ جنوری اعلام شد، نتیجه حملات ایالات متحده یا اسرائیل ضربه های تلافی جویانه ایران است.

جانشین قاسم سلیمانی به عنوان فرمانده جدید واحد سپاه قدس، پس از آتش سوزی در یو اس اس بونوم ریچارد «USS Bonhomme Richard» گفت: «این حادثه پاسخی به جنایات شما است که به دست عناصر خودتان صورت گرفته است.» در عین حال ، وی درباره «روزهای بسیار سخت و حوادث جدی» هشدار داد که ایالات متحده و اسرائیل با آنها روبه رو خواهند شد.

راشا تودی

آینده ما